

اصلاح طلبان در مورد وقایع دی‌ماه چه می‌گویند و چه می‌کنند؟ نگاهی به مواضع اصلاح‌طلبان، اعم از کنش‌گران و فعالان سیاسی تا رسانه‌های اصلاح‌طلب نشان می‌دهد آنان حتی در ملی‌ترین حالت مواضع خود، کوشیده‌اند خود را جدا از نظام و در واقع خارج از حلقهٔ مسئولان نشان دهند. در عین حال، اغلب با پرک کردن خشونت‌های کف خیابان و اعتراض نامیدن آن‌ها، از موضع‌گیری صریح نسبت به

دلتنگی برای زن، زندگی، آزادی

چند روز قبل از آغاز اعتراضات بازار در اوایل دی‌ماه، مستندی در مورد موضع حمایتی ترانه علیدوستی نسبت به ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ از بی‌بی‌سی فارسی پخش شد. مستندی که کوشیده بود از چند روز بازداشت این بازیگر، یک فعالیت سیاسی و آزادی‌طلبانه پر و پیمان در دیابود و از او قهرمانی سیاسی بسازد. ذوق‌زدگی سعید شریعتی، کنشگر سیاسی اصلاح‌طلب از میزان بازدید این مستند، نشان می‌داد که صحبت از آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱ و تلاش بی‌بی‌سی برای تنفس رسانه‌ای به آن جریان، برای اصلاح‌طلبان خوشایند است. چند روز بعد و با آغاز اعتراض بازارهای فروش گوشی تلفن همراه و سپس پیوستن بازاریبان به این اعتراض، جریان اصلاحات، با فراموشی نقش و مسئولیت خود نسبت به آنچه که دلیل اعتراضات بود، تلاش کرد خود را در کنار معترضین قرار دهد.

خشونت عریان هم محکوم نیست؟

با بروز وقایع تروریستی ۱۸ دی‌ماه، روزنامه‌های اصلاح‌طلب خط حمایت تلویحی از بازداشت‌شدگان و یا روایت میدانی از کف خیابان با نگاهی که اغتشاش را اعتراض می‌نامد، پیش بردند. محمد خاتمی بیانیه دیر هنگامی منتشر کرد، و گرچه در آن از کنایه به نیروهای امنیتی برای عدم کنترل پیشینی فضا دریغ نورزیده بود و نظام را نیز مورد انتقاد قرار داد؛ اما در عین حال تصریح کرده بود که اسرائیل و آمریکا توطنه‌ای را علیه ایران شکل داده‌اند. با این حال او نیز اشاره‌ای به ده‌ها شهید نیروی حافظ امنیت نکرده بود.

روزنامه اعتماد که روزنامه رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت است، در اولین شماره پس از وقایع تروریستی ۱۸ دی‌ماه، هیچ مطلبی در صفحه یک خود پیرامون این موضوع نداشت. شرق، دیگر رسانه اصلاح‌طلب صرفاً آن را ساعت شلوغی و دوروز اعتراض نامید و روزنامه هم میهن سراغ وکلا و خانواده بازداشتی‌ها رفت، در حالی که معلوم نبود چطور طی سه چهار روز و با وجود تعداد بالای بازداشتی‌ها، مجروحین، شهدا و کشته‌ها، آن‌ها توانسته‌اند، وکیل هم بگیرند!

سخنرانی تلویزیونی رئیس‌جمهور سه روز پس از وقایع ۱۸ دی‌ماه و تشریح جنایاتی که علیه مردم و نیروهای حافظ امنیت در آن شب سیاه روی داده بود، در رسانه‌های اصلاح‌طلب صرفاً با تیرهای به‌رسمیت‌شناسی اعتراض و شنیدن صدای اعتراض مردم انعکاس یافت و این رسانه‌ها حتی در مورد مواضع مسعود پزشکیان هم امانت را رعایت نکردند. همچنان روزنامه‌های اصلاح‌طلب سلاخی نیروهای حافظ امنیت در کف خیابان را سانسور کردند.

شنیدن صدای معترض و مخالف هم همیشه برای اصلاح‌طلبان صرفاً یک شعار بوده است. آن‌ها هیچ‌گاه با مخالفان خود گفت‌وگو نمی‌کنند، هیچ‌گاه به میان معترضان نمی‌روند و هیچ‌گاه از فضای ساتنی مانتالیسم نسبت به اعتراضات خارج نمی‌شوند.

ترامپ، اروپا را به سمت چین هل می‌دهد؟

استارت استارمر در پکن

ادامه از صفحه یک

۲- گرایش اروپا به سمت همکاری با چین عوامل متعددی دارد که یکی از آن‌ها نیاز به این روابط برای موازنه در برابر آمریکاست؛ این موازنه از جنس نظامی نیست بلکه ابتدا اقتصادی و در میزان بسیار کمی سیاسی است. از نظر نظامی اروپا جزئی از ساختار نظامی هماهنگ با آمریکاست. البته قاره سبز با جیس ناتو در جغرافیای آتلاتیکی و جلوگیری از گسترش تعهدات کشورهای عضو به دیگر مناطق می‌تواند منافع چین را هم لحاظ کند، اما از نظر نظامی این اوج روابط خواهد بود زیرا بستر این قضیه همکاری عمیق نظامی دولت‌های غربی با یکدیگر است.

آنچه در حوزه‌های مختلف پررنگ‌تر است، اتکای اروپا به اقتصاد چین برای تاب‌آوری در برابر فشارهای تعرفه‌ای آمریکاست. اروپا به کالاهای ارزان‌قیمت چین و سرمایه‌گذاری‌های تکنولوژیک و صنعتی‌اش نیاز دارد تا در برابر ضربات اقتصادی ترامپ که می‌تواند تولید ناخالص داخلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، ایمن شود. حوزه سیاسی نیز متکی به حوزه اقتصادی است. اظهار نظر آشکار مقامات اروپایی درباره همکاری اقتصادی با چین، نوعی پیام و هشدار سیاسی به ترامپ است.

۳- در جنگ اوکراین، چین جایگاهی محوری دارد به‌طوری‌که برخورد روسیه و اروپا در اوکراین به رقابت‌های پکن و واشنگتن در عرصه جهانی ربط داده می‌شود.

تحت تحریم‌های سنگین در بخش‌های فروش انرژی، صادرات قطعات حساس و دسترسی به شبکه بانکی که غرب بر روسیه اعمال کرده، تسهیلات چین باعث باقی ماندن، تاب‌آوری و رشد مسکو در نبرد شده است. چین برای جبران تحریم انرژی، مقدار بیشتری نفت و گاز از روسیه وارد می‌کند. پکن قطعات الکترونیکی حساس و ممنوع، وسایل با کاربرد دوگانه مانند کوادکوپتر و جلیقه ضدگلوله، مواد اولیه تولید مهمات و ماشین آلات صنعتی مورد استفاده در خطوط تولید سلاح را بدون دردسر به روس‌ها تحویل می‌دهد. در خصوص شبکه بانکی، برای خنثی‌سازی سلطه دلار، دو کشور با پول ملی با یکدیگر مبادلات را انجام می‌دهند. روسیه گرچه مبادلات نسبتاً مشابهی با هند و تعداد دیگری از دولت‌ها دارد، اما هیچ‌کدام از آن‌ها قابل مقایسه با چین نیستند. اروپا می‌داند روسیه از نظر نظامی قابل شکست دادن نیست و این را بسیاری از جمله پائلون و هیتلر آزموده‌اند. از زمانی که چین روابط خود با روسیه را توسعه دهد، مسکو اجباری برای کنار گذاشتن سلاح نخواهد داشت. این قضیه حکایت از آن دارد که پکن از ابزار و فضایی مناسب برای اعمال نفوذ بر مسکو یافته و اروپایی‌ها برای مهار روسیه باید با چین کنار بیایند.

۴- آمریکا برای مهار چین باید ضرباتی مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد

خانم منصوری! می‌شود هم با قربانیان همدردی کرد هم قاتل آن‌ها یعنی ترامپ را نقد کرد

اصلاحات یک طرفه

حملات به شهروندان، مأ‌موران حافظ امنیت، ساختمان‌های دولتی، پایگاه‌های نظامی، اماکن مذهبی، بانک‌ها، فروشگاه‌ها و منازل و خودروهای مردم پرهیز می‌کنند.

اگر دوقطبی ۱۸ دی‌ماه را دوقطبی انقلابی و ضدانقلابی بدانیم - که در واقع هم همین طور است - هیچ دو سوی این دوقطبی با این مواضع «در وسط ایستاده» همراه نخواهند بود. از این منظر باید جریان اصلاحات

سانسور آشوب

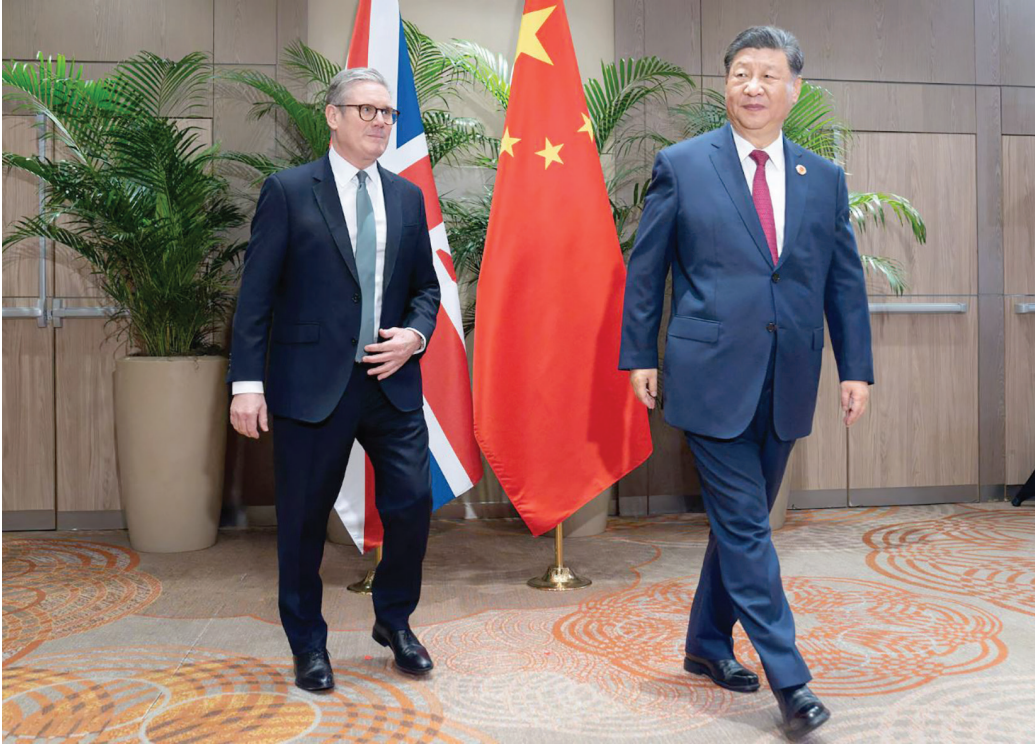
دو سه روز بعد، اغتشاشات در برخی شهرهای کوچک ایران آغاز شد. حمله به فرمانداری فسا، حمله مسلحانه به فرمانداری و مقر پلیس و بنیاد شهید و چند بانک در ملک‌شاهی و یا وقایع تلخ شهر ایلام و آشوب‌ها در آبدانان و حمله به فروشگاه‌ها و اموال عمومی و بانک‌ها بخشی از این اقدامات بود. با این حال، هم از نگاه اصلاح‌طلبان و هم از نگاه دولت که برآمده از جریان اصلاحات است، همچنان موضوع فقط «اعتراض» بود و کسی صحبت از آشوب و اغتشاش نمی‌کرد. با آنکه در برخی شهرهای کوچک مراکز دولتی هدف حمله اغتشاشگران قرار گرفته و چند نیروی حافظ امنیت هم شهید شده بودند. همچنان تیر رسانه‌های اصلاح‌طلب، افزایش اعتراضات، لزوم رفتن به میان معترضین و شنیدن حرف معترض، تنگنای اعتراض کردن، احزاب و اعتراضات، ربط دادن اصلاحات اقتصادی به اعتراضات، بررسی ریشه‌های اعتراضات و تیرهایی از این قبیل بود و همچنان اغتشاش سانسور شد؛ آن هم در رسانه‌هایی که همیشه صحبت از آزادی می‌کنند. طبعاً رویکرد درست، تأکید بر حق اعتراض و درعین حال محکوم کردن آشوب بود؛ اتفاقی که در رسانه‌های انقلابی رقم خورد و هم‌زمان با پوشش اعتراضات و بحث دانستن آن‌ها، به انتشار خبر در مورد آشوب‌ها و تقبیح اقدامات اغتشاشگران پرداختند.

درانتهای رادیکالیسم

چند ساعتی قبل از پنجشنبه‌شب ۱۸ دی‌ماه؛ قبل از آن حملات تروریستی هماهنگ در ده‌ها شهر ایران و قبل از قطعی نت، آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات، در آن‌سویی که انتظار می‌رفت ایستاد و از نسبت به دخالت نیروهای غیررسمی و برخوردهای خشونت‌آمیز با معترضین هشدار داد. او البته پس از جنایتی که به نام اعتراض در کشور رقم خورد و در آن بهترین جان‌ها روی زمین به شیوه‌ای خشونت‌بارتر از داعش، پر پر شدند، واکنشی نشان نداد؛ درست مثل وقایع مشابه پیش از آن.

او همچنین، حدود ۲۰ روز پس از وقایع تلخ ۱۸ دی‌ماه در ایران، با انتشار بیانیه‌ای مبهم با ادبیات رادیکال، به همدردی و سوگواری با خانواده‌های عزادار پرداخت. منصوری مدعی است که در این مدت اینترنت به‌طور کامل قطع بوده و از سوویی می‌گوید: «ما به رسانه‌ها دسترسی نداریم.»

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که در این روزها اینترنت داخلی وصل بوده و روزنامه‌های اصلاح‌طلب منتشر و رسانه‌های اینترنتی اصلاح‌طلب نیز به‌روز شده است. لذا روشن نیست چرا منصوری مدعی نداشتن رسانه شده است؟ البته که بیانیه تند او در رسانه‌های اصلاح‌طلب منتشر نشده و با یک جست‌وجوی اینترنتی معلوم می‌شود فقط اینترنت‌اش آن را بازتاب داده است. اوج ابهام آذر منصوری آنجاست که به داغدیدگان تسلیت گفته، اما در مورد فاعلین این داغ‌ها و کسسانی که این فجایع را ایجاد کردند، سکوت کرده است. او حتی حاضر نشده در بیانیه خود- که روشن نیست چرا به صورت انفرادی و نه حزبی و جبهه‌ای و تشکیلاتی منتشر شده- به آمریکا و اسرائیل و حمایت‌های متعدد رئیس‌جمهور آمریکا و مقامات صهیونیستی از آشوبگران اشاره کند.



این کشور وارد کند که آسان نیست. اقتصاد چین غیرقابل مهار است. این شاید مهم‌ترین نکته‌ای باشد که بتوان از نزدیکی اروپا به این کشور دریافت.

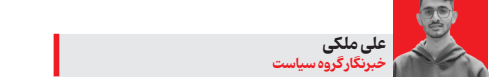
آمریکا با وجود تلاش برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های جدید در چین، بازگشت شرکت‌ها به خاک آمریکا با استقرار در کشوری به جز چین با اعمال تعرفه، تحریم‌های گوناگون و بن‌دام کردن پکن، در وارد آوردن ضربه مؤثر ناکام مانده است. چین با اقدام متقابل در ممنوعیت صادرات فلزات خاص و رونمایی از روش‌های جدید محاسباتی در هوش مصنوعی موفق شده ابزارهای خود را به آمریکا اثبات کند. چین به میزانی غیرقابل مهار شده که اروپا علی‌رغم اینکه حمایت این کشور از روسیه را عاملی مهم در تداوم جنگ می‌داند، همچنان پکن را شریک تجاری آینده تلقی می‌کند.

۵- نقش انگلیس باید پررنگ دیده‌شود. بافضاییای کانادا و تهدید ترامپ برای الحاق این کشور، نوع واکنش انگلیس آشکار کرد میزان تسلط لندن بر اتاوا بسیار بالاست. انگلیسی‌ها رئیس بانک مرکزی خود را به نخست‌وزیری کانادا رسانده‌اند. این نفوذ بالا به معنای آن است که لندن را نباید تنها در محدوده قدرت

رجوی چی‌ها مدعی هستند

درواقیع اخیر نقش مهمی داشته‌اند

ائتلاف نوفاشیست‌ها یا خالی‌بندی‌سازمانی؟



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

تیر و تفنگ همه‌را می‌کشد، اما به اپوزیسیون ایران «جان» می‌دهد. آن‌ها به‌بوری خون‌تشنه‌اند و چنین به نظر می‌رسد که از خون ارتزاق می‌کنند. روز گذشته (سهمینه ۷ بهمن ۱۴۰۴) گروهک تروریستی منافقین مدعی شده‌است تاکنون «۷۰۰ نفر» از اعضایش در آشوب‌های اخیر به‌هلاکت رسیده‌اند. اصل این خبر در بالاترین قسمت‌سایت‌سازمان منافقین با این عنوان منتشر شده‌که «اسامی ۷۰۰ شهید[[اقیام توسط‌سازمان مجاهدین اعلام شده است.» این گاف خبری نیست؛ چراکه سازمان منافقین پیش از این نیز به کشته‌شدن تعدادی از عناصر خود در جنگ شهری اخیر اذعان کرده بود و حالا به نظر می‌رسد با انتشار ۷۰۰ نام – که بسیاری از آن‌ها دروغ است- سعی دارد جیب خود را با درآمدهای جدید پر و اثبات کند آن‌ها تنها آلترناتیو جمهوری اسلامی هستند.

از سوی دیگر، رضا پهلوی، سخنگوی اپوزیسیون که این روزها مشغول کشتن و شمردن است تا لحظه‌تظلم این گزارش آمار قربانیان در ایران را ۵۰ هزار نفر اعلام کرده است. عددی که حتی مورد تمسخر رسانه‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته‌است. رفاقت پهلوی و رجوی در حالی مشفقانه و همدلانه جلو می‌رود که این دو فرقه تا پیش از این دشمنان سفت و سخت یکدیگر محسوب می‌شدند. در جنگ تحمیلی، منافقین دوشادوش دشمنان این سرزمین علیه مردم خودشان جنگیدند؛ اقدامی که جدا از ریزش در سسازمان، مورد شمات و بی‌زاری سایر اپوزیسیون ایرانی قرار گرفت، اما حالا پهلوی‌چی‌ها به‌عنوان بخشی از آن اپوزیسیون پا در جای پای منافقین گذاشته‌اند و با جنایتکارترین رژیم، علیه مردم و سرزمینشان متحد شده‌اند و خواهان حمله نظامی به آب و خاکشانند. شاید همین اشتراک در دیورژگی باعث شده تا این دو دشمن سابق (منافقین و سلطنت‌طلبان) پیوندهای دوستی با یکدیگر برقرار کنند.

بجنگید برای پرچم اسرائیل!

در بحبوحه تلاش‌های اپوزسیسیون او‌یزان برای ضربه زدن به چهره ایران در جامعه جهانی، کنشگری‌های مضحک اشخاصی همچون شاهین نجفی، ابعاد تازه‌ای از نمایش دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکایی صهیونی علیه ایران به اجرا درآورده‌است. نجفی در یکی از تجمعات اخیر فارسی‌زبانان خارج از کشور با قاحتی تمام عیار رسماً اعلام کرده «ما برای این‌چیزها می‌جنگیم» و در حالی این جملات را بر زبان آورده‌است که پرچم اسرائیل بالای سرش تکان می‌خورد. این نوع رفتار حتی از استانداردهای خیانت در سازمان منافقین نیز فراتر است. حتی مسعود رجوی در دوران همکاری با رژیم بعث، برای حفظ ظاهر هم که شده مدعی بود برای «آرمان خلق» می‌جنگد و جرئت نداشت علناً خود را سرپاز پرچم عراق بنامد.

اکنون به نظر می‌رسد با فرقه جدیدی از رجویست‌ها تحت لوای «نتوافشیم» طرفیم؛ جریانی که چنان در خدمت جنایتکارانی چون نتانیاو ذوب‌شده که دیگر حتی «وطن» برایش اهمیتی ندارد. این اپوزیسیون‌شورر برای جلب رضایت ارباب خود حاضر است حتی زیرساخت‌هایی که با ثروت مردم ایران ساخته شده است، نابود و این جغرافیای بزرگ و استراتژیک تجزیه شود. آن‌ها البته این را به صراحت عنوان نمی‌کنند و آن‌را دلهایی از آوازه‌های فریبنده و زیباپنهان می‌کنند.

تجارت خون

درحالی‌که ملت‌وملیت‌همیشهر طول‌تاریخ ایران به‌عنوان مستحکم‌ترین نقطه اشتراک و اجماع مردم شناخته شده، کنش‌های اخیر جریان‌های موسوم به اپوزیسیون نشان‌دهنده گسستی عمیق و آگاهانه از این ریشه تاریخی است. این جریان که به نظر می‌رسد به بن‌بست سیاسی رسیده، امروز با اتکا به رویکردهای افراطی و نمایش‌های ساختارشکن، ماهیت واقعی خود را برای افکار عمومی به نمایش گذاشته‌است. اقدام اخیر سازمان منافقین در انتشار لیستی شامل اسامی ۷۰۰ نفر از کشته‌شدگان، بخشی از یک استراتژی زشت برای اثبات «کارآمدی» به کارفرمایان بین‌المللی است. این سازمان که سابقه‌ای طولانی در خشونت‌طلبی دارد، با ارانه این آمارسلاخی‌ها و اعتراف به هلاکت تعدادی از عناصر خود، در واقع سعی دارد وفاداری خود را به سروس‌های جاسوسی و دولت‌های متخاصم ثابت کند تا نشان دهد همچنان ظرفیت ایجاد آشوب و هدایت خشونت در داخل مرزهای ایران را دارد.

فقط موساد می‌توانست جمع‌تان کند

پدیده عجیبی که این روزها در فضای سیاسی خارج از کشور دیده‌شده، رفاقت و پیوند میان فرقه پهلوی و سسازمان منافقین است؛ دو جریانی که بیش از نیم قرن دشمن خونی یکدیگر بودند، اما اکنون با همکاری یکدیگر در تلاش برای نابودی ایران و ایرانی‌اند. رضا پهلوی در حالی خود را نماینده این جریان می‌داند که با ارانه آمارهای مضحکی همچون ۵۰ هزار کشته‌نشان داده که مأموریت او تنها شمردن و بزرگ‌نمایی برای تهیج افکار عمومی است.

ناظران بر این باورند که تنها یک نیروی باالاستی غیرایرانی مانند موساد می‌تواند چنین گروه‌های متضادی را ذیل یک فرماندهی واحد جمع کند. هماهنگی‌های عملیاتی در مقاطع حساس نشان می‌دهد که برنامه‌اصلی در اتاق‌های فکر صهیونیستی طراحی می‌شود. در واقع پهلوی وظیفه فراخوان دادن را بسر عهده می‌گیرد و منافقین به عنوان بازوی میدانی، اعتراضات مدنی را به سمت خشونت و ترور سوق می‌دهند. اسناد و اعترافات دستگیرشدگان نیز گواه‌این مدعاست که دستور تشکیل تیم‌های مسلح و هدف قرار دادن مردم، مستقیماً از سرپل‌های این جریان‌ات در خارج از کشور صادر می‌شود.

تکرارسیاهه ۶۰

اقدامات ساختارشکنانه جریان پهلوی، به خصوص در به کارگیری خشونت و ترور جنایتکارانه، بازخوانی نعل به نعل جنایات دهه ۶۰ منافقین است. منافقین و متحدان جدیدشان با استفاده از تکنیک‌های جنگ‌روانی تلاش می‌کنند هرگونه مطالبه‌ای اجتماعی را به سمت شعارهای تند و رفتارهای رادیکال هدایت کنند تا با جریحه‌دار کردن افکار عمومی، زمینه را برای مداخله خارجی فراهم سازند. «کشته‌سازی» به عنوان یکی از ابزارهای مضحک این جریان، با انتخاب سبزه‌های خاص و تصویربرداری‌های هماهنگ‌شده و ساخته‌شده با هوش مصنوعی انجام می‌شود تا رسانه‌هایشان خوراک تبلیغاتی لازم علیه ایران را داشته باشند. در نهایت به نظر می‌رسد آنچه امروز به عنوان اپوزیسیون قد علم کرده یک پیمانکار امنیتی است که برای خوش‌رقصی مقابل بیگانگان، هویت و تمامیت ارضی ایران را به حراج گذاشته است.